

## «افترا بزیند... افترا بزیند بالاخره چیزی از آن باقی خواهد ماند!»

### ضرب المثل فرانسوی

مجموعه این کتاب‌های اوست.

صادق هدایت در کتاب معروف «توب مرواری» در مورد خداهای «جهود»ها، مسیحیان و مسلمانان می‌نویسد: در مورد اول، او را قهار و کینه‌توز مینامد که همه‌اش دستور کشتن و چاپیدن مردمان را میدهد و پیش از روز رستاخیر حضرت صاحب را می‌فرستد تا حسابی دخل اُمتش را بیاورد و آنقدر از آنها قتل عام بکند که تا زانوی اسبش در خون موج بزنند!...

و در صفحه بعد در مورد «اعراب احمق و ابله» می‌نویسد «درست است که عرب پست‌تر از این بود که این فضولی‌ها را بکند! و این فتنه (منظور مذهب اسلام است) را جاسوسان یهودی راه انداختند و با دست خودشان درست کردند برای اینکه تمدن ایران و روم را براندازند و به مقصودشان هم رسیدند...» سپس در مورد ترس از جهنم و قول‌های بهشت برای خر کردن مردم می‌نویسد.

این چند سطر از صادق هدایت مرا واقعاً به تعجب واداشت و نمی‌دانستم چگونه آنرا تعبیر کنم! آیا صادق هدایت یک نفر ضد یهود بوده؟ البته و صد البته که نه او خیلی والاتر از این گونه پلیدی‌ها بود؛ پس معنی این نوشته چیست و چگونه باید آنرا تعبیر کرد؟

روانش شاد استاد بزرگوارم ژاک شامپو Jacques Champeau می‌گفت هر وقت در موردی نادان هستی در باره‌اش کتابی بنویسد! من در مورد عقاید و نظریات یهودیان در مورد تجدید حیات و بهشت و جهنم چیزی نمی‌دانستم لذا سعی کردم این مقاله را بنویسم تا شاید چیزی در این باره یاد بگیرم.

با ربای فرانک تبول Frank Teboul تماس گرفتم و از او خواستم بمن چیزی بیاموزد ولی او آنقدر نشریات و نظریات مختلف به من ارائه کرد که پس از خواندن آنها آنچه را هم که می‌دانستم فراموش کردم! آخر می‌گویند یهودیان عادت دارند در جواب هر سوال یک سوال دیگر بکنند! تا آنجا که گویا روزی از یک یهودی می‌پرسند چرا شما همیشه در جواب یک سوال یک سوال دیگری می‌کنید و او جواب میدهد «چرا

تصمیم به نگارش این مقاله وقت زیادی گرفت چون بدون هیچگونه تعارف و یا شکسته نفسی، نمی‌توانستم به خودم اجازه دهم در باره نویسنده‌ای که نه فقط بنظر من بلکه از نظر اکثریت روشنفکران و فرهنگ دوستان و میهن پرستان ایرانی بزرگترین نویسنده معاصر ایران است یعنی صادق هدایت، نظری بدهم.

من در جوانی «بوف کور» این نویسنده را خوانده بودم و بعدها ترجمه فرانسه آنرا خواندم و به همان اندازه شیفته آن شدم. همیشه در مورد دلیل خودکشی این انسان واقعی، این نویسنده توانا و متنفذ و تیزبین ایران خود را زیر سوال می‌بردم و امروز پس از سالیان دراز، شاید بهتر بتوانم رنج و درد روحی این انسان را درک کنم و از اینکه میلیون‌ها ایرانی را با خودکشی خود از نوشته‌های دیگرش محروم کرد او را «ببخشم».

دوست فرهنگ پرورم آقای مهدی باباف «پنج کتاب» را که شامل ۴ کتاب از صادق هدایت و یکی از علی اکبر حکمی‌زاده است برایم فرستادند و با خواندن و از نو خواندن آن چهار کتاب بیش از پیش شیفته این نویسنده شدم تا بجایی که به دوستانم گفتم هر طور شده این کتاب را بخرند و بخوانند. فکر میکنم اگر این کتاب و خصوصاً «حاجی آقا» را ده درصد از ایرانیان خوانده بودند هرگز انقلاب به اصطلاح اسلامی رخ نمیداد.

وقتی از یکی از دوستان عزیزم که مدتها شاغل مدارج بالا در وزارت امور خارجه ایران در کشورهای مختلف بود خواش کردم که «حاج آقا» را بخواند (او اصلاً در باره صادق هدایت چیزی نمیدانست) از من سوال کرد تا دو سه جمله در باره آن به او بگویم و سپس با اخم و ترشروی بمن گفت «نه نه اصلاً من از این نوع کتابها خوشم نمی‌آید و... نمی‌خواهم آنها را بخوانم». با خود گفتم «ز که نالیم که از ماست که بر ماست!».

اگر منظور نقد بر کتاب‌های صادق هدایت بود که گفتم من بهیچ وجه صلاحیت ندارم اما اگر امروز قلم بدست گرفته‌ام تا در باره او نظر بدهم فقط در مورد چند خط خارج از انتظار در

در مدت دو سه ماه تا آنجا که توانستم در مورد پیدایش اسلام و روابطش با یهودیت و مسیحیت در مورد جهنم و بهشت و آخرت و احیای بعد از مرگ از نظر مذاهب مختلف مطالعه کردم و هر چه خواندم به عمق نادانی‌ام بیشتر پی بردم زیرا برای جواب به این موضوع کتاب‌های زیادی نوشته شده و اگر فرصتی شد شاید در مقاله دیگر خلاصه و چکیده آنرا تقدیم خوانندگان عزیز پیام کنم.

امروز فقط بدنبال انگیزه‌ای که بموجب آن صادق هدایت «جهود»ها را مسئول اختراع «اسلام» دانسته و گناه مسلمانان و خرافات و نادانی‌های برخی از آنان را به گردن یهودیان می‌اندازد نظرم را در این مقاله تقدیم می‌کنم.

صادق هدایت نویسنده بزرگ، تحصیلات خود را در مدرسه سان لوئی تهران کرد و سپس برای ادامه تحصیل به پاریس رفت. پس از بازگشت به ایران، چنین نویسنده‌ای بجای اینکه وزیر فرهنگ و یا شاغل پستی در چنین وزارت‌خانه‌ای شود، کارمند بانک شد و در تمام دوران کارمندی‌اش یک پست حقیرانه داشت.

مأیوس به پاریس باز گشت و پنج ماه پس از بازگشت در سال ۱۹۵۰ برای دومین بار خودکشی کرد. ولی این بار مانند دفعه اولی که دست به خودکشی زده بود نجات نیافت.

من فکر می‌کنم صادق هدایت بطور کلی از مذاهب یکتاپرستی منزجر بود ولی کینه او از «جهودها» دو علت داشت، اول اینکه در دورانی در تهران بزرگ شده بود که خیلی‌ها حتی افراد طبقه بالا «جهودها» را نجس می‌دانستند و این در روان ناخودآگاه او ضبط شده بود.

دوم اینکه او در پاریس با «پروتکل مشایخ صهیون» آشنا شده بود و این دو در هم تصور اختراع اسلام توسط یهودیان را برای «نابود کردن امپراطوری‌های روم و ایران» بوجود آورده است. امروز من می‌خواهم چند کلامی در مورد این پروتکل معروف بنویسم:

در سال ۱۸۶۴ موریس ژولی Maurice Joly در یک مقاله خصمانه به طنز بر ضد ناپلئون سوم، تحت عنوان گفتگو در جهنم، بحث خیالی بین ماکیاول متفکر ایتالیایی قرن شانزدهم با مونتسکیو نویسنده و فیلسوف بزرگ فرانسوی قرن هفدهم را شرح میدهد و آنرا در بلژیک به طبع میرساند تا بدین‌وسیله از «تصمیمات شوم» ناپلئون سوم برای تصرف و تصاحب جهان پرده‌برداری کند!

«اوخارانا» رئیس خوفناک پلیس مخفی روسیه برحسب اتفاق این مقاله را مطالعه میکند. آنرا به ماتيو گولوفسکی میدهد تا همین مضمون را ماهرانه مطابق اوضاع روسیه آن

زمان بنویسد تا نشان دهد وضع نیکلای دوم در خطر است و بنویسد که یهودیان در خدمت کاپیتالیسم می‌خواهند او را سرنگون کرده و دنیا را تصاحب کنند و هر گونه ضعف از طرف او به شکست رژیم و مرگ او خواهد انجامید.

با عوض کردن نام‌ها ماتيو گلوسکی مقاله‌اش را در روسیه تحت عنوان «پروتکل مشایخ صهیون» بچاپ می‌رساند و ادعا میکند که یهودیان قصد تصاحب دنیا را دارند و برای رسیدن به آن، مقصود از حقه‌بازی، خشم و خشونت، جنگ و خونریزی و انقلاب باید استفاده کرد.

لذا روی کار آمدن لنین و کشتن نیکلای دوم جزو برنامه بلشویک‌های یهودی است که برنامه «مشایخ صهیون» را اجرا می‌کنند و طبق این برنامه و دستورات آنها از وسائل صنعتی مدرن و کاپیتالیسم استفاده می‌کنند تا یک قدرت یهودی تمام را بر دنیا مستقر کنند که در آن هیچ مذهب و آیینی بجز یهودیان وجود نخواهد داشت!

با وجود تمام مقالات تکذیبی و دلایل غیرقابل انکار این پروتکل، یکی از مدارک مورد استفاده در کتاب «ماین کامف» هیتلر تحت عنوان «برنامه یهودیان برای غصب جهان» در رایش سوم قرار گرفت و هنوز هم در آستانه سال ۲۰۲۰ یکی از پرفروش‌ترین کتابها در بعضی از کشورهای اسلامی است! آیا صادق هدایت تحت تأثیر این مقاله قلبی قرار نگرفته است؟ شاید بگوئید پس عقل و شعور انسان چه اثری دارد؟ باید عرض کنم برای عقل و شعور دو ضرب در دو می‌شود چهار، ولی برای روان ناخودآگاه دو ضرب در دو می‌تواند ۳ یا ۵ و گاهی هم چهار شود!

هنگامی که این نوشته را دوباره مرور می‌کردم مجله پیام شماره ۱۲۲۹ به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۹ بدستم رسید و در مقاله تحت عنوان «مصائب سیاهان در آلمان نازی» چند خط زیر نظرم را جلب کرد:

[آدولف هیتلر در قسمتی از کتاب "نبرد من"، یهودیان و سیاه‌پوستان را به هم مرتبط دانسته بود. هیتلر در این کتاب که حاوی اندیشه‌های سیاسی اوست و برای اولین بار در سال ۱۹۲۵ چاپ شد، نوشت: «این یهودی‌ها بودند و هستند که سیاهان را به رینلاند (ایالتی از آلمان) آوردند. اندیشه پنهان و هدف آشکار آن‌ها برای این کار هم همیشه نابود کردن نژاد سفید از طریق آلوده کردن آن بوده است.»] جالب نیست!؟

افترا بزینید... افترا بزینید ... بالاخره چیزی از آن باقی خواهد ماند!

عزیزاله سلیم پور - نیس - سپتامبر ۲۰۱۹

پیام: دکتر عزیزاله سلیم پور پزشک متخصص روان و اعصاب هستند و بیش از ۵۰ سال در این رشته تجربه دارند.